

شهرهای ار پایدار

برای سیاره‌ای کوچک
ریچارد راجرز

www.ketab.ir

ترجمه خسرو افصلیان
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد

راجرز، ریچارد جورج، ۱۹۳۳ - م.

Rogers, Richard George

شهرهای پایدار برای سیاره‌ای کوچک/ ریچارد راجرز، [فیلیپ گوموجیان]؛

مترجم خسرو افضلیان؛ ویراستار احمدرضا حکیمی نژاد.

مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۲.

۱۹۲ ص: مصور، نمودار.

شابک: ۵-۱۰-۶۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاها

عنوان اصلی: Des villes durables pour une petite planète, 2008.

یادداشت: کتابنامه: ۱۹۱-۱۹۲

موضوع: توسعه پایدار شهری

موضوع: بوم‌شناسی شهری (جامعه‌شناسی)

موضوع: شهرسازی

شناسه افزوده: گوموجیان، فیلیپ، ۱۹۵۸ - م. Gumuchdjan, Philip

شناسه افزوده: افضلیان، خسرو، ۱۳۲۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ر۸۶/ت۸۶۷/HCV۹

رده بندی دیویی: ۳۳۸/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۱۹۲۵۶

شهرهای پایدار برای سیاره‌ای کوچک

ریچارد راجرز

ترجمه خسرو افضلیان

ویراستار: احمدرضا حکیمی نژاد

صفحه‌آرایی: منا گندمکار

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۵-۱۰-۶۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸



انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۰۵۱ ۳۷۶۷۰۰۱۹

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات کتابکده کسری محفوظ است. هرگونه تصویربرداری و تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از کتاب ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

مرکز بخش: کتابکده کسری

تلفن: ۰۵۱ ۳۸۴۳۵۵۳۱ همراه: ۰۹۱۵ ۵۱۲ ۴۲۱۹

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار مترجم
۱۱	مقدمه سر کیمسپین تیکل
۲۰	۱ فره‌نگ شهرها
۴۲	۲ شهرهای پایدار
۸۰	۳ معماری پایدار
۱۱۸	۴ لندن: شهر انسان‌ها
۱۶۰	۵ شهرهایی برای یک سیاره کوچک

پیش‌گفتار مترجم

نخستین ماهواره در اوایل دهه‌ی شصت میلادی توسط روس‌ها به فضا پرتاب شد و برای گام‌های فزاینده‌ی فضانورد روسی را برای زمان کوتاهی به نظاره‌ی فضا واداشت. اگرچه اولین سفر به‌یمنامی در سال ۱۹۵۷ امکان دیدن فجایعی که بشر بر کره‌ی خاکی روا می‌سازد فراهم می‌آورد و به گفته‌ی راجرز «یک نقطه‌ی مشاهده‌ی استراتژیک را به ما عرضه می‌داشت که از آنجا می‌توانستیم خود و آن‌چه کرده‌ایم را نظاره کنیم و این حرکت بسیار از یک شناخت و آگاهی جدید می‌بود»، اما از قرن‌ها قبل، بشر به خوبی شام از به‌در آتش بی‌عدالتی، زور و قلدری بر سر هم‌نوعان خود آورده، بوده است و البته برای مشاهده‌ی آن نیاز چندانی به ماهواره نداشته؛ چراکه به نظر می‌رسد وجود ماهواره‌ها در دنیا در دادن آگاهی و وجدان برای پرهیز از این بی‌عدالتی‌ها و فجایعی که هر روز شاهد آن‌ها هستیم چیزی کم نکرده بلکه بر دامنه‌ی آن نیز افزوده است. منظور از ذکر این مطالب بیشتر به آن‌چه در چهار گوشه‌ی جهان به لحاظ نظامی، سیاسی و ... در جریان است - که هر چند که آن هم اهمیت خود را دارد و بسیار تعیین‌کننده است - بلکه هدف پرداختن به مسئله‌ی مورد بحث این کتاب یعنی شهر پایدار می‌باشد که لازمه‌ی آن محیطی پایدار است که بدون ایجاد شرایطی متناسب با مقام انسان - یعنی بهره‌گرفتن از منابع اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی - به گونه‌ای که هم امروز و هم فردا انسان‌ها بتوانند به زندگی خود ادامه دهند ممکن نخواهد بود. تحقق این مهم که البته اجتناب‌ناپذیر است، جز با ایجاد دموکراسی، عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان

در اداره‌ی شهر و دولت ممکن نباشد غنگل‌می که صحبت از مشارکت، مسئولیت و دموکراسی می‌شود موضوع بسیار روشن است. جای تعبیر و تفسیر ندارد. واگذار کردن بخشی از مسئولیت و قدرت اداره‌ی شهر به شهروندان و نتایج بسیار مؤثر آن سال‌هاست که در بسیاری از شهرهای جهان تجربه شده است. رسیدن به این ضرورت، متعاقب آسیب‌های فراوانی است که گاهی به سرعت گاهی در اثر محاسبات سیاسی و اقتصادی زودگذر دولت‌ها و یا نهادهای مخدوم در تمام کشورهای صنعتی و غیر صنعتی - به وجود آمده که ادامه‌ی آن باید دیگر ممکن نبود. گرم شدن دمای کره‌ی زمین، ذوب شدن یخ‌های مناطق قطبی، پیشرفت کویر، باران‌های آیدیدی و ... عواملی هستند که آن ماهواره‌ی مذکور در سال ۱۹۵۷ بر همه آشکار کرده است. به توسعه، شهر و شهرسازی را دگرگون نموده که راجرز در این کتاب به عنوان «شهر می‌پردازد» و نشان می‌دهد نگاه گذشته به فضا و معماری در قالب فضاهای تک‌ساحتی - یا به تعبیر او «فضاهای با روح و کاراکتر بسته» که فضاهایی صرفاً اختصاص یافته به یک عملکرد مشخص «تجاری، صنعتی، مسکونی رانده شده به حومه‌های بی‌قوار» و «بی روح شهرها» هستند و نتیجه‌ای جز ایجاد فاصله میان افراد و فعالیت‌ها در پی نداشته - نه تنها بی‌ثمر بوده بلکه عواقب ناگواری را نیز در پی داشته است. تنها راجرز نیست که به این مسئله می‌پردازد و از ضرورت توسعه‌ی شهرهای پایدار صحبت می‌کند، بسیاری از صاحب‌نظران، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، متخصصین محیط زیست و حتی سیاست‌مداران بر این مهم پای فشرده‌اند. رنزو پیانو، معمار برجسته‌ی معاصر، در کتاب نافرمانی معمار می‌گوید: «این اندیشه‌ی رشد نامحدود، باعث گردیده که شهرها منفجر شوند و اجازه داده که غیرقابل تحمل‌ترین حومه‌های

شهری ساخته شود؛ غیر قابل تحمل به لحاظ انسانی، بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی. در حقیقت زاغه‌هایی ایجاد شده و عده‌ای را در آن‌ها تلنبار کرده‌اند و در نقطه‌ی دیگری حومه‌هایی با امکانات بسیار زیاد که دو قطب این تضاد و اختلاف طبقاتی حسی - فقدان عدالت اجتماعی و ... می‌باشد. بیان در ادامه می‌گوید: «بعد از جنگ در سال ۱۹۶۰ شه‌ها با لگدمال کردن روستاها، روستاییان، بیلاقات، محلات و محدوده‌ها. اما فر خود منفجر شده و از هم پاشیدند... بالاخره امروز بعد از مرتکب شدن آن‌همه گناه شروع به فهمیدن این مسئله کرده‌ایم که تنها راه رشد و توسعه، رشد و توسعه‌ی پایدار است؛ درست همان چیزی که راجرز به خوبی به فلسفه و خصوصیات و شرایط آن اشاره کرده در پیش رو دارید می‌پردازد.

در جستاری دیگر در نظریات رم کولهاس، معمار و نظریه‌پرداز شهیر هلندی به این عبارات برمی‌خوریم: «آیا این‌ها برای معاصر مانند فرودگاه‌های امروزی، همه به یکدیگر شباهت دارند؟ آیا این‌ها همان‌طور شباهت را می‌توان تئوریزه کرد؟ و اگر چنین باشد به سوی چه تصویر و سیما می‌بوییم؟ رفتن به سوی شباهت هنگامی ممکن است که خود را از قید هویت - یکی از اصول مسلم و اساسی یک شهر - رهاکنیم؛ موضوعی که به عنوان یک نتیجه تلقی می‌گردد. با سرعت و در مقیاسی که این پدیده (همانندسازی عاری از هویت) در حال وقوع است، باید هوشیار بود و به آن معنایی داد. حال پرسش این است که این معنا چیست؟ آیا این پدیده ضروری است یا قابل اجتناب؟ امری است اتفاقی یا ناشی از عواملی چون عدم آگاهی و مدیریت‌های آمرانه؟ که در هر صورت اسفبار است؛ زیرا حاصل آن چیزی جز مرگ هویت نیست. نباید فراموش کرد که هویت را چیزی جز تاریخ، فرهنگ، زندگی

اجتماعی و به اعتقاد بسیاری از جمله راجرز، «انسان‌ها» نمی‌سازند. به عبارتی، هویت یک شهر در گرو حضور و مشارکت شهروندان و مسئول می‌باشد. شهر، پدیده‌ای اتفاقی نیست که از هیچ به وجود آمده باشد. مردم کوته‌بین مطالب فوق را در نظریات خود راجع به شهر ژنریک بیان می‌دارد که شهر، بدون تاریخ است؛ سطحی و بدون عمق و روح؛ شهری که در دهه‌های اخیر شکل گرفته و ر آن، کوچه-این عامل مهم اجتماعی، مدنی و فرهنگی - معنایی ندارد و در این معنا و خابان، به ماشین‌ها سپرده شده‌اند؛ شهری غیر دموکراتیک که بر دو پایه اسرار و مسئولین شهر و سوداگران سرمایه و پایه‌ی سوم یا اصلی آن یعنی مردم و نقش آن‌ها در شهر دیده نمی‌شود؛ شهر ژنریک به ساز و کارهای قدرت گره می‌خورد که گاهی این قدرت اقتدارگرا محلی و گاهی ملی است.

نگرانی نسبت به محیط زیست و تلاش برای رسیدن به شهرهای پیدارتنا، متوجه جهان صنعتی نیست، بلکه معضل جامعه‌ی بشری است و راه چاره‌ی آن نیز در گرو مشارکت همه‌ی جوامع است. تراج محیط، تولید مواد آلاینده، تشویق و رشد مصرف‌گرایی، رشد و توسعه‌ی ناموزون محیط و شهرها، نقش سوداگری و سرمایه در جهت سوداندوزی سریع و معضلات ناشی از آن در جهان توسعه‌نیافته به مراتب از جوامع صنعتی بیشتر است که برای تصدیق آن نیازی به استدلال یا ذکر مصادیق نمی‌باشد. قدرت‌های اقتصادی نوظهور از جمله چین، هند و برزیل از آلوده‌کننده‌ترین کشورهای جهان هستند. ایالات متحده آمریکا در میان کشورهای توسعه‌یافته، خود معضل بزرگی است. میزان مصرف کیسه‌های پلاستیک اهالی تهران - که به گفته‌ی راجرز «در آینده باستان‌شناسان به جای کشف آثار تاریخی انبوهی از مواد پلاستیکی

خواهند یافت» - از بالاترین میزان مصرف در سطح جهان است.

هرچه نوشتن مقدمه‌ای بر این اثر خارق‌العاده و جامع در این مجال کاری است دشوار و هرچند در اولین نگاه، خواننده‌ی جهان سوم گاهی گفته‌های راجرز را رمانس خواند یافت، اما باید پذیرفت آنچه او طرح می‌کند تنها ارائه‌ی یک نظریه نیست. این در جای جای این کتاب به ذکر شواهد و مثال‌های بسیاری می‌پردازد که محققان را به این از یک سو حکایت از عمق و اعتبار نظرات او دارد و از سوی دیگر متکی بر استوانه‌های بسیار عمیق در زمینه‌ی معماری و شهرسازی - و تجربه عملی - وی می‌باشد.

در طول تاریخ معماری و شهرسازی، خصوصاً قرن نوزدهم، بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، ویزیونرها، ری‌پلیست‌های متعددی بوده‌اند که به مسئله‌ی معماری و شهرسازی از یک نگاه فلسفی و اومانیستی نگریسته‌اند. سوسیالیست‌های یوتوپیک از آن جمله‌اند و تنها آن‌ها نبوده‌اند؛ در برابر آن‌ها خشک‌نگرهایی که تعداد آن‌ها نیز اندک نیستند را شاهد بوده‌ایم که تأثیرات آن دیدگاه‌ها را در تمام جوامع و از جمله جوامع جهان سوم دیروز و امروز شاید بیشتر شاهد باشیم. از میان این یوتوپیست‌ها می‌توان به هوارد، گارنیه، اوون و ... اشاره کرد. راجرز را - ضمن این‌که یک معمار نامدار و شهرساز بسیار باتجربه است - می‌توان آرمان‌گرا، واقع‌نگر و اومانیستی آگاه که به خوبی به مسائل جهان شناخت دارد تلقی کرد و اهمیت اثر او را باید علاوه بر تجربه‌ی بسیار زیادش در چهار گوشه‌ی جهان، از دریچه‌ی این خصلت‌های زیبای انسانی نیز مورد توجه قرار داد.

گفته‌ها و نوشته‌های راجرز در بعضی موارد با شناختی که از جهان امروز و

رابطه‌ی قدرت‌ها داریم بسیار بر ر نفیعت آیه دارد و گاهی آن چه می‌گوید را باید در دنیای خیال دنبال کرد؛ خصوصاً جایی که آن پایه سوم قدرت (مردم) حضور ندارد و برای تحقق آن باید دست به سوی آسمان برد. از طرفی آن چه در کتاب حاضر طرح می‌گردد، واقعیتی بسیار جدی و گاهی تلخ است که اگر به ضرورت بودن در فردای نه چندان دور بنگریم می‌توان گفت که این گفته‌ها خراسته‌ها که گاهی بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسند؛ همه را باید گاهی در بستر جمع مغتلف پیدا و سنجید و امکانات تحقق آن را در آینده‌ای نزدیک مورد نظر قرار داد.

آن چه راجرز می‌گوید و آرزو می‌کند بسیار ملموس و واقعی است اما گاهی با دیدن واقعیت‌های موجود و شیوه‌ی برخورد مسئولین و گاهی در سانس آن، سوداگران با محیط و تداوم آن، تصور فردایی پایدار برای بسیاری از کشورهای در حال سوم بسیار دشوار می‌نماید. اما از دست دادن امید هیچ کمکی به پیشبرد این اهداف نخواهد کرد. بذر امید را باید کاشت که شاید حاصلی درخور، بر این زمین لم‌یست به بار بنشینند. کتاب حاضر: «شهرهای پایدار برای سیاره‌ای کوچک» گوشه‌ای از این دیدگاه‌ها را بیان می‌کند که علاوه بر تکنولوژی و پیشرفت آن، بر اهمیت دنیای ارتباطات و نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر انسان‌ها و آگاه شدن آن‌ها و همچنین بر قدرت، ذکاوت و عزم و خواست انسان‌ها بیش از هر چیز تکیه دارد.

خسرو افضلیان

استادیار دانشکده هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد
زمستان ۱۳۹۱